آخرین کلام قاتل «مهرسا کوچولو» در گفت وگو با خراسان

از سرنوشت من عبرت بگیرید!

اختصاصی خراسان

۳ سال به خانواده ام اصرار می کردم مرا داماد کنید اما یک لحظه شیطانی بیچاره ام کرد

سید خلیل سجادپور– آن روز وقتی جسد «مهرسا» (دختر بچه ۳ ساله) پیدا شد و صدای گریه و شیون خانواده اش در فضای کوچه پیچید، من از خانه بیرون آمدم. ترس و وحشت سراسر وجودم را فرا گرفته بود. هنوز هم باورم نمی شد که دست به چنین جنایت وحشتناکی زده ام. هنگامی که ماموران را دیدم، هراسان به درون منزل بازگشتم. فقط دعا می کردم که قتل دخترک به پای من نیفتد ولی دقایقی بعد کارآگاهان پلیس آگاهی وارد خانه شدند و....

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات قاتلی است که تحت تاثیر وسوسه های شیطانی و فیلم های کثیف، دختربچه بی گناهی را ناجوانمردانه به کام مرگ کشاند و او را خفه کرد! با توجه به اهمیت و حساسیت این ماجرای تکان دهنده که قلب های زیادی را جریحه دار کرد، خبرنگار خراسان ساعتی را با عامل این جنایت وحشتناک به گفت و گو نشست تا در میان اظهارات او، ریشه های این گونه جنایات را به واکاوی افکار عمومی بسپاریم. آن چه تقدیم شما مخاطبان همراه و همیشگی خراسان می شود، حاصل این گفت و گوست.

نامت چیست و چند سال داری؟ ایمان– ت هستم و ۲۵ سال دارم.

تا کلاس چند درس خواندی؟ در رشته صنایع غذایی دیپلم گرفتم.

اهل کجایی؟ در شناسنامه ام محل تولد «تربت جام» قید شده است اما اهل مشهدم و از همان دوران نوزادی در مشهد بودم چون پدرم اهل تربت جام است شناسنامه مرا هم از آن جا گرفته اند.

تک فرزندی؟ نه! تک پسر هستم و دو خواهر دارم که ازدواج کرده اند.

چرا به دانشگاه نرفتی تا ادامه تحصیل بدهی؟ زمینه مالی خوبی نداشتیم چون پدرم یک راننده تاکسی است و درآمدش پاسخگوی نیازهای خانواده نبود!

بعد از ترک تحصیل دنبال چه شغلی رفتی؟ آن زمان در رستوران یک هتل مشغول کار شدم اما بعد از شیوع کرونا، مالک هتل تصمیم گرفت آن را تخریب کند چون قدیمی ساز بود و از سوی دیگر هم فعالیت هتل ها ممنوع شد. من هم از آن جا بیرون آمدم و در شرکت دیگری استخدام شدم که در زمینه تولید شیلنگ رادیاتور و کولر ماشین فعالیت داشت.

سربازی خدمت کرده ای؟ نه! به دلیل این که چشم هایم ضعیف بود، از خدمت معاف شدم.

هیچ گاه خودت با این صحنه های کثیف رو به رو شده بودی؟ حدود دو سال قبل بود که با یکی از همکارانم در شرکت شوخی می کردیم. او که متاهل بود مرا به خانه اش دعوت کرد ولی من نپذیرفتم. به همین دلیل همیشه مرا «پسر ترسو» می خواند تا این که بالاخره یک روز پذیرفتم و به خانه آن همکارم رفتم که بزرگ تر از من بود. آن روز من مشغول تماشای تلویزیون بودم که یک چای نبات برایم آورد. در حال صرف چای بودم که دیدم او فقط با گوشی تلفن سرگرم است! ناگهان رو به من کرد و گفت: تا به حال فیلم های... (شیطانی) دیده ای؟ هنوز پاسخ نداده بودم که در خانه را قفل کرد و گوشی را به دستم داد. آن روز احساس خیلی بدی داشتم و از خانه دوست و همکارم بیرون آمدم ولی نمی توانستم این ماجرای کثیف را برای کسی بازگو کنم.

چرا ازدواج نکردی؟ از سه سال قبل به خانواده ام می گفتم من دختریکی از بستگان مان را دوست دارم و می خواهم مرا داماد کنید! ولی آن ها جدی نمی گرفتند.

آن دختر هم تو را دوست داشت؟ نمی دانم! من فقط به او علاقه مند بودم و می خواستم ازدواج کنم! به خاطر نسبت فامیلی خجالت می کشیدم با آن دختر موضوع را در میان بگذارم.

چه شد که آن دختر کوچک را به «خانه مرگ» کشاندی؟ آن روز سوار پراید یکی از همکارانم بودم که چند نفر دیگر از همکاران شرکت درون آن نشسته بودند. در حال رفتن به خانه بودیم که در مسیر یکی از همکاران سرش در گوشی تلفن خودش بود. یک لحظه رو به من کرد و گفت: «ایمان» این صحنه را نگاه کن! وقتی دیدم یک فیلم مستهجن و شیطانی است وسوسه شدم و آن را تا پایان تماشا کردم. در این هنگام بود که سر کوچه منزل مان رسیده بودم و از خودرو پیاده شدم. پدر و مادرم به شهرستان رفته بودند و کسی در خانه نبود. هنگامی که قصد ورود به خانه را داشتم، چشمم به دختر کوچکی افتاد که داخل کوچه به تنهایی راه می رفت. خودم هم نفهمیدم چگونه این افکار شیطانی به سراغم آمد. وسوسه های شهوت وجودم را فرا گرفت. بدون تصمیم قبلی آن دختربچه (مهرسا) را صدا زدم. وقتی به کنارم آمد، دستش را گرفتم و به درون منزل بردم. قصد داشتم به او تعرض کنم ولی او که متوجه موضوع شده بود، گریه کرد، سر و صدا به راه انداخت و جیغ کشید. هر کاری می کردم، ساکت نمی شد. چند دقیقه بعد او را کنار در حیاط آوردم که دوباره در کوچه رهایش کنم ولی می ترسیدم آبروریزی شود. چرا که هرگذرانی هم آن جا بودند. به همین دلیل دوباره او را به داخل خانه کشیدم اما آن دختر همچنان سر و صدا می کرد، برای آن که جلوی فریادهایش را بگیرم، گلویش را با دستانم فشار دادم که ناگهان چهره اش کبود شد و بر زمین افتاد. هراسان کمی آب به صورتش ریختم تا شاید به هوش بیاید ولی دیر شده بود....

چرا جسد او را داخل منزل همسایه انداختی؟ آن لحظه آن قدر ترسیده بودم که نمی دانستم چه کنم! فقط می خواستم قتل دختربچه به پای من نیفتد! به همین منظور جسدش را درون کیسه سفید روی پشت بام گذاشتم و به خانه همسایه انداختم که در حال ساخت بود! بعد هم فقط دعا می کردم که پلیس به سراغ من نیاید!

تصویر متهم هنگام کشف جسد دختربچه و قبل از دستگیری

وقتی عکس آن کودک بی گناه را روی شیشه خودروی پدرت می دیدی، چه احساسی داشتی؟ ناراحت بودم! وجدانم آسوده نبود اما جرئت نمی کردم در این باره حرفی بزنم!

خانواده ات چیزی نمی گفتند؟ چرا. مادرم متوجه رفتارهای غیرعادی من شده بود. به همین دلیل مدام می گفت: چرا ناراحتی؟ حتما باز زن می خواهی؟ گفتم، بله درست حدس زدید! زن می خواهم! ولی او باز هم مرا دعوا کرد که حرف نزن!

چگونه از کشف جسد مطلع شدی؟ با سر و صدایی که در کوچه پیچید، از خانه بیرون آمدم. دیدم جیغ و فریاد از خانه همسایه می آید. وقتی پلیس ها را دیدم فهمیدم که جسد آن دختر پیدا شده است. هراسان به درون منزل بازگشتم و خودم را بی خبر از همه چیز نشان دادم اما...

وقتی آن دختر کوچک را خفه کردی چه احساسی داشتی؟ دلم سوخت. ناراحت بودم. با خودم گفتم کاش این کار را نمی کردم. کاش آن فیلم را ندیده بودم. کاش به چشمان آن دختر تنها نگاه نمی کردم. ولی...

فیلم های ماهواره ای هم تماشا می کنی؟ بله، البته بیشتر فیلم های خارجی را نگاه می کردم ولی خب صحنه های زننده دیگر را هم می دیدم. البته کانال های مستهجن را پدرم بسته بود و نمی توانستیم نگاه کنیم.

خودت ریشه این جنایت را در چه می دانی؟ نمی شود فقط یک موضوع را مطرح کرد. عوامل زیادی دست به دست هم داد تا سرنوشت من این گونه رقم بخورد. با این حال مقصر اصلی خودم هستم و نمی خواهم این ماجرا را به گردن دیگران بیندازم.

تا به حال با دختری ارتباط داشتی؟ نه. پدر من راننده تاکسی بود و اگر کسی را سوار می کردم و حادثه ای رخ می داد شماره آن را به تاکسیرانی می دادند که بیشتر آبروریزی می شد.

اگر کسی چنین رفتاری را با نزدیکان خودت داشت، چه کار می کردی؟ خون او را می ریختم، اگر کسی به خانواده من چپ نگاه کند!

غیرتی هستی؟ خیلی! وقتی سر کار بچه ها شوخی ناموسی می کردند، به آن ها تذکر می دادم و حتی درگیر می شدم.

پس چگونه خودت با دختری خردسال چنین رفتاری کردی؟ گفتم که یک لحظه وسوسه های شیطانی بیچاره ام کرد. در آن لحظه به بزرگی و کوچکی فکر نمی کردم، شهوت جلوی چشمانم را گرفته بود!

پشیمانی؟ غلط کردم! اشتباه کردم! بی عقلی کردم! نفهمیدم...

می دانی با این کار خانواده ات را هم نابود کردی؟ بله، از همه خجالت می کشم. به جوانان بگویید در آن لحظه فقط چشمان خود را ببندند. این شر مساری خیلی زجرآور است.

می دانی چه حکمی انتظارت را می کشد؟ اعدام می شوم! اما امید به گذشت خانواده مقتول هم دارم که مرا ببخشند!

عکس اختصاصی خراسان

چرا کاری نکردی که حداقل زود تر جسد دختر بچه را پیدا کنند؟ می ترسیدم! با خودم فکر می کردم شاید طوری بشود که نفهمند من این کار را کرده ام.

به خانواده خودت هم نگفتی؟ جرئت این کار را نداشتم. روزی که پدرم از شهرستان آمد، به خانه همسایه رفت. از این که «مهرسا» گم شده بود، خیلی ناراحت بود. مادر و خواهرانم فقط دعا می کردند که آن کودک زودتر پیدا شود.

وقتی مقابل چشمان پدر و مادرت دستگیر شدی، چه حالی داشتند؟ مادرم فقط اشک می ریخت و های های گریه می کرد. پدرم نیز سرش را میان دستانش گرفته بود و اصلا به من نگاه نمی کرد.

برنامه زندگی پس از زندگی را هم در تلویزیون دیده ای؟ نه. نمی دانم چه برنامه ای است و در کدام شبکه پخش می شود. در واقع من تلویزیون نگاه نمی کردم.

در بازداشتگاه به چه چیزی فکر می کنی؟ به سرنوشت تلخم فکر می کنم. ناراحتم. گاهی فقط اشک می ریزم. کار دیگری از دستم ساخته نیست.

رفیق باز بودی؟ نه! زیاد دوست پسر به معنای رفیق نداشتم که با او بیرون بروم یا اوقاتم را با او بگذرانم.

موادمخدر هم مصرف کرده ای؟ نه! زیاد به دنبال مواد نبودم اما گاهی که پرخاشگری می کردم سیگار می کشیدم. وقتی هم به مادرم می گفتم الان سیگار کشیدم، مرا نهی می کرد و می گفت دودش به چشم خودت می رود. البته یک بار به دلیل همین پرخاشگری ها نزد روان پزشک رفتم و به خاطر استرس قرص اعصاب مصرف می کردم.

آخرین کلام؟ دیگران از سرنوشت من عبرت بگیرند. بدانید که این شرمندگی ها و آبروریزی ها زجرآورتر از اعدام است. به جوانان می گویم چشمانتان را باز کنید. خورشید همیشه پشت ابر نمی ماند. این رفتارهای کثیف بالاخره روزی نمایان می شود و رسوایی به بار می آید!

سابقه خبر

گزارش خراسان حاکی است، بیستم اردیبهشت دختر ۳ ساله ای به نام «مهرسا» در کوی مهدی آباد مشهد به طور ناگهانی ناپدید شد اما چهار روز بعد با کشف جسد دخترک درون یک ساختمان در حال احداث، مشخص شد که او به قتل رسیده است. دقایقی بعد با دستورات تخصصی قاضی «محمودعارفی راد» (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) بررسی های فنی و علمی به تجزیه و تحلیل های کارشناسی کشید و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در کمتر از یک ساعت با راهنمایی های مقام قضایی موفق به شناسایی و دستگیری عامل این جنایت وحشتناک شدند. متهم ۲۵ ساله این پرونده جنایی در حالی به قتل «مهرسا کوچولو» با انگیزه های کثیف اعتراف کرد که تحقیقات بیشتر درباره ابعاد دیگر این جنایت توسط سروان اسماعیل عظیمی مقدم (افسر پرونده) ادامه دارد.

در امتداد تاریکی

ماجرای کوچه بن بست!

بعد از ۴۰ سال زندگی مشترک وقتی احساس می کنم همسرم به من خیانت می کند، قلبم می شکند. به همین دلیل وقتی با تعقیب همسرم آن صحنه را دیدم بلافاصله به کلانتری آمدم تا تکلیفم را مشخص کنم و از همسرم طلاق بگیرم چرا که...

به گزارش خراسان، زن ۶۵ ساله که چون ابر بهاری اشک می ریخت و صدایش از شدت گریه گرفته بود، مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه نشست و بی مقدمه درباره قصه زندگی اش گفت: ۲۵ ساله بودم که با یکی از بستگان دور پدرم ازدواج کردم. «هادی» کارمند یکی از ادارات دولتی بود و من هم به تازگی استخدام آموزش و پرورش شده بودم. زندگی آرام و خوبی داشتیم و در طول ۴۰ سال زندگی مشترک هیچ گاه رفتار ناشایستی از همسرم ندیدم. در این سال ها حتی امور مالی ما از یکدیگر جدا نبود و من هم عاشقانه او را دوست داشتم. حاصل این ازدواج دو دختر و یک پسر است که دخترانم ازدواج کرده اند و پسرم نیز در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می کند. در این سال ها پا به پای همسرم کار کرده ام تا زندگی خوبی داشته باشم. بالاخره دوران بازنشستگی فرا رسید و هر دو نفر ما خانه نشین شدیم ولی از مدتی قبل احساس کردم رفتارهای همسرم تغییر کرده است. او گوشی تلفن را از خودش جدا نمی کرد. حتی زمانی که به سرویس بهداشتی می رفت گوشی را با خودش می برد. این رفتار عجیب هادی مرا به شدت نگران کرد. به همین دلیل دختر کوچکم را در جریان ماجرا قرار دادم. وقتی «سولماز» به خانه ما آمد، هر آن چه را دیده بودم برایش بازگو کردم. سپس به پیشنهاد دخترم منتظر ماندیم تا شوهرم از خانه خارج شود. در این هنگام من هم سوار خودروی سولماز شدم و به تعقیب همسرم پرداختیم ولی او را در همان نزدیکی محل سکونت مان گم کردیم. فقط می دانستم درون کوچه بن بست رفته است. در همین لحظه زن جوانی که حدود ۳۷-۳۸ سال داشت از داخل همان کوچه بیرون آمد. سولماز بلافاصله از پشت فرمان پیاده شد و با نشان دادن عکس پدرش به آن خانم پرسید که آیا او را می شناسد؟ آن زن جوان که گویی با دیدن آن تصویر دست و پایش را گم کرده بود با عصبانیت جواب داد، نه او را ندیده ام! ولی حس زنانه من و دخترم این بود که آن زن ناشناس موضوعی را پنهان می کند. خلاصه قصد بازگشت به منزل را داشتم که همان خانم هراسان به داخل کوچه بن بست بازگشت. من هم بی درنگ از خودرو پیاده شدم و تعقیب اش کردم. زن جوان با عجله وارد آپارتمان شد ولی در را پشت سرش نبست. من هم با آن که بیماری آرتروز دارم، پله ها را دو تا یکی پشت سر او طی کردم تا این که مقابل یک واحد آپارتمانی در حالی کفش های همسرم را دیدم که آن زن جوان با صدای بلند گفت: «هادی جان، همسر و دخترت سر کوچه در تعقیب من هستند.» با شنیدن این جمله دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم. فقط گفتم «هادی جان راحت باش! این هم دستمزد ۴۰ سال زندگی مشترک است.» ولی همسرم در حالی که لباس راحتی به تن داشت و بوی سیگار همه جا را پر کرده بود، از خانه بیرون آمد تا با من حرف بزند! اما من فقط گریه کردم و به کلانتری آمدم تا از او طلاق بگیرم چرا که نمی توانم تصور کنم مردی بعد از ۴۰ سال اعتماد در زندگی مشترک به من خیانت کرده باشد و.... گزارش خراسان حاکی است، در پی اظهارات این زن بازنشسته، بررسی های تخصصی و مشاوره های روان شناختی در دایره مددکاری اجتماعی به دستور سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آبکوه مشهد) در این باره آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

کوتاه از حوادث

توکلی/ سردار ناظری فرمانده انتظامی استان کرمان از توقیف یک دستگاه کامیونت و کشف ۶۲۹ کیلو تریاک در عملیات شبانه پلیس شهرستان جیرفت در بخش دلفارد خبر داد و گفت: این متهم که به خیال خام خود قصد داشت محموله سنگین موادمخدر جاساز شده داخل کامیونت خود را با عبور شبانه از این محور کوهستانی به مرکز کشور منتقل کند با تشکیل پرونده به مرجع قضایی تحویل شد.

*سرعت عمل پلیس سه متهم زورگیر را در سیرجان که در حال زورگیری از چند شهروند در یکی از نقاط شهر بودند، زمین گیر کرد؛ از این افراد سه میلیون ریال وجه نقد سرقتی کشف شد.

*ایسنا/ محمد کرمی رئیس جمعیت هلال احمر بروجرد گفت: برخورد دو خودروی پراید و تیبا در جاده بروجرد به اراک هشت مصدوم به جا گذاشت.

*ایسنا / موسی الرضا صفری رئیس سازمان آتش نشانی گرگان گفت: بر اثر تصادف دو خودروی پراید و لندکروز در گرگان یک نفر کشته و یک نفر مصدوم شد. در این حادثه، راننده خودروی لندکروز پس از تصادف متواری شده است.

*ایسنا / سردار رحیمی رئیس پلیس پایتخت در طرح ظفر پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت از متلاشی شدن پنج باند بزرگ و دستگیری ۲۲ قاچاقچی عمده در تهران خبر داد.

*مهر / سخنگوی سازمان آتش نشانی شهرداری تهران از نجات ۱۰ نفر در حادثه آتش سوزی در یک ساختمان مسکونی واقع در محله مسعودیه خبر داد.

*پلیس/ سرهنگ داود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتای پایتخت از شناسایی و دستگیری عامل ایجاد سایت فروش کالاهای تزیینی با جعل ای نماد خبر داد.

*ایسنا/ مقامات محلی هند دیروز اعلام کردند که در پی وقوع سیل بیش از ۵۰۰ هزار نفر در ایالت «آسام» واقع در شمال شرقی این کشور خانه های خود را ترک کرده اند.

*ایسنا/ به گفته مقامات پلیس محلی آمریکا، در پی تیراندازی در بزرگراهی در ایالت «ایندیانا»ی این کشور دو تن جان خود را از دست دادند.

*ایسنا/ مقامات پلیس محلی برزیل سه شنبه گذشته اعلام کردند که در پی برخورد یک اتوبوس با یک ون در ایالت «ماتو گروسو»ی این کشور دست کم ۱۱ تن کشته و ده ها تن دیگر نیز زخمی شدند.

۲ سارق مسلح در اهواز دستگیر شدند

فرمانده انتظامی استان خوزستان گفت: دو سارق مسلح در شهر اهواز توسط عوامل انتظامی شناسایی و دستگیر شدند. به گزارش ایرنا به نقل از پلیس، سردار سید محمد صالحی افزود: به دنبال وقوع یک فقره سرقت خشن توسط سارقان مسلح از خانمی در یکی از مناطق اهواز، با توجه به این که انتشار این کلیپ در فضای مجازی باعث جریحه دار شدن احساسات و عواطف مردم خوزستان شده بود، موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت. وی با بیان این که مقادیری طلا و زیور آلات از مال باخته سرقت شده است، ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی با به کارگیری روش های نوین کشف جرم و انجام اقدامات اطلاعاتی در کمتر از ۷۲ ساعت دو نفر از سارقان را شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی پس از دو ساعت درگیری مسلحانه دستگیر کردند. فرمانده انتظامی استان خوزستان با اشاره به این که در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح و یک دستگاه خودروی سرقتی کشف شد، افزود: متهمان در تحقیقات پلیس به چندین فقره سرقت در نقاط مختلف شهرستان اهواز به ویژه سرقت از خانمی که فیلم آن در فضای مجازی منتشر شده اعتراف کردند. وی ادامه داد: با تداوم این روند و برخورد قاطع دستگاه قضایی با سارقان به ویژه سارقان خشن شاهد امنیت پایدار در استان خوزستان باشیم.

ماجرای عجیب سلاخی یک گاو و سرقت گوشت آن

توکلی/ عامل سلاخی یک گاو و سرقت گوشت آن در منوجان به دام افتاد. به گزارش خراسان، رئیس پلیس آگاهی شهرستان منوجان در این باره گفت: فردی که به صورت شبانه گاو یک کشاورز منوجانی را سلاخی کرده و مقدار زیادی از گوشت آن را به سرقت برده بود، در کهنوج دستگیر شد. سروان حسن موسائی افزود: اواخر فروردین ماه امسال از سوی یک کشاورز منوجانی، وقوع سلاخی یک راس گاو و سرقت مقدار زیادی از گوشت آن به پلیس اعلام شد و بلافاصله ماموران به محل مدنظر اعزام شدند. وی ادامه داد: با حضور نیروهای پلیس در یک باغ مرکبات در محدوده شهر منوجان مشخص شد فرد یا افرادی یک راس گاو آبستن متعلق به صاحب این باغ را سلاخی کرده و پس از قطعه قطعه کردن لاشه، مقدار زیادی از گوشت آن را به سرقت برده اند که در این زمینه تحقیقات و بررسی های لازم در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. رئیس پلیس آگاهی شهرستان منوجان گفت: در نهایت تحقیقات پلیس آگاهی در چند هفته به نتیجه رسید و ماموران، عامل این عمل ناهنجار را در یکی از نقاط شهر کهنوج شناسایی و دستگیر کردند که این متهم به انجام سلاخی گاو و سرقت گوشت آن با همکاری دو نفر دیگر اعتراف کرد. وی خاطرنشان کرد: تحقیقات پلیس برای دستگیری این دو متهم نیز در حال انجام است.

اعتراف زوج جوان به ۱۰ فقره سرقت منزل

رئیس پایگاه دهم پلیس آگاهی پایتخت از کشف ۱۰ فقره سرقت منزل توسط یک زوج جوان به ارزش ۱۵ میلیارد ریال خبر داد. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سرهنگ وحید ذاکری افزود: در پی وقوع سرقت منزل در حوزه استحفاظی پایگاه دهم پلیس آگاهی در اردیبهشت ماه امسال با شیوه و شگرد جدید توسط یک آقا و یک خانم مراتب پی جویی و کشف جرم در دستور کار کارآگاهان پایگاه دهم قرار گرفت. وی ادامه داد: کارآگاهان با حضور در محل های سرقت و بررسی شیوه و شگرد سارقان در نهایت با بهره گیری از اقدامات پلیسی، هویت سارقان به نام های کریم ۳۶ ساله و همسرش فرزانه ۳۴ ساله را شناسایی کردند. رئیس پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران اظهار کرد: با تلاش کارآگاهان و با هماهنگی قضایی، متهمان در بیست و چهارم اردیبهشت در محل سکونت جدیدشان در محدوده «مرتضی گرد» شناسایی و دریک عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند. وی افزود: پس از انتقال متهمان به این پایگاه، آن ها به بیش از ۱۰ فقره سرقت منزل با شیوه و شگرد یکسان اعتراف کردند. ذاکری گفت: در ادامه پی جویی انتظامی تعدادی از اموال مسروقه شامل لوازم خانگی، پوشاک، زیور آلات و نقره جات در منزل یکی از بستگان آنان در شهرری کشف شد و تلاش برای شناسایی مالخر و دیگر مال باختگان ادامه دارد.